

آینده‌نگری چالش‌های نظارت الکترونی در جامعه اطلاعاتی ایران

دکتر امیدعلی مسعودی*

تاریخ دریافت: ۸۵/۲/۱۷

تاریخ پذیرش: ۸۵/۵/۱۷

چکیده

رشد شتابناک و روزافزون فن‌آوری‌های اطلاعات و ارتباطات وضعیتی تناقض‌نما در جهان امروز به وجود آورده است که در آن جامعه اطلاعاتی در برابر نظارت الکترونی فن‌آوری‌های اطلاعات و ارتباطات دچار چالش می‌شود. برخی از نظریه پردازان به این تقابل نگاهی خوش‌بینانه دارند و برخی دیگر با نگاهی انتقادی، در جست‌وجوی راه حل معضلات چالش هستند. نویسنده در این مقاله پس از تحقیق و بررسی راه حلی برای تناقض‌نمای نظارت و اطلاعات ارائه می‌دهد و سپس آینده جامعه تحت نظارت در ایران را بررسی می‌کند.

در این بررسی، با استفاده از روش دلفی، محقق به یافته‌هایی برای آینده‌نگری جامعه تحت نظارت ایران در سال ۱۴۰۰ هجری شمسی دست می‌یابد. براساس این پژوهش، نظارت الکترونی در آینده به شکلی دقیق‌تر و جامع‌تر، رفتار شهروندان را دیده‌بانی خواهد کرد.

پیش‌بینی صاحب‌نظران و متخصصان جامعه اطلاعاتی، آن است که اگر شیوه‌های نظارت الکترونی در ۲۰ سال آینده با توجه به فرهنگ و وضع قوانین لازم صورت‌نگیرند با مقاومت‌های مردمی روبه‌رو خواهند شد.

در پایان نیز محقق پس از نتیجه‌گیری، به محدودیت‌های تحقیق اشاره کرده، پیشنهادهایی در حوزه تحقیقات و مسائل اجرایی برای آیندگان ارائه داده است.

واژه‌های کلیدی: ارتباطات، اطلاعات، فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، جامعه اطلاعاتی، جامعه تحت نظارت (جامعه نظارتی)، روش دلفی، صاحب‌نظران، مجریان، آینده‌نگری، نظارت الکترونی

مقدمه

فن‌آوری‌های نوین ارتباطی در پایان قرن بیستم، شرایط تازه‌ای برای تسهیل آن‌ها و دسترسی به اخبار و اطلاعات فراهم کرده‌اند. رشد و توسعه این فن‌آوری‌ها در آغاز قرن بیست و یکم شکل‌گیری جامعه اطلاعاتی را میسر ساخته است.

فرانک وبستر (Frank Webster) استاد دانشگاه‌های لندن و کالیفرنیا پس از ۲۰ سال تحقیق در ارتباطات اجتماعی در کتاب *نظریه‌های جامعه اطلاعاتی (Theories of the Information Society)* در این باره می‌نویسد:

«مقبول‌ترین تعریف جامعه اطلاعاتی بر نوآوری فوق‌العاده تکنولوژیک بنا شده است. مفهوم کلیدی این است که پیشرفت‌های خیره‌کننده در پردازش، نگهداری و انتقال اطلاعات در واقع به کاربرد تکنولوژی‌های اطلاعاتی در تمامی زوایای حیات اجتماعی انجامیده است» (وبستر، ۱۳۸۰: ۲۰-۲۱).

برخی از محققان و اندیشمندان، همچون جان فیدر (John Feather) استاد مطالعات کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه لاف‌برو (Loughborough) در انگلستان، تحولات دو دهه اخیر در زمینه فن‌آوری‌های نوین ارتباطی را نوعی «انقلاب» (Revolution) می‌دانند. هر چند این «انقلاب» کلمه‌ای است که «انقلاب چاپ» را به ذهن می‌رساند و مثل انقلاب کبیر فرانسه (۱۷۸۹) و انقلاب کبیر روسیه (۱۹۱۷)، خشونت را برای ما تداعی می‌کند، اما آن چه در طی این دو دهه یعنی از ۱۹۹۰ به بعد به اذهان متبادر می‌شود، برخلاف تصور، تغییر صرف یک حکومت یا حتی تغییر کلی یک سیستم سیاسی و انقلابی در روش زندگی انسان‌هاست، نه انسان‌هایی در یک سرزمین یا جامعه خاص، بلکه انقلابی که همه انسان‌های روی کره زمین را تحت تأثیر قرار می‌دهد. جان فیدر معتقد است نماد این انقلاب، رایانه (Computer) است، او می‌نویسد:

«نماد این انقلاب رایانه است: مغز الکترونیکی علما در فیلم‌های علمی - تخیلی دو دهه پیش که اکنون از عمر ۳۰ یا ۴۰ ساله خود، پیرتر به نظر می‌رسد. رایانه تقریباً در هر اداره‌ای روی هر میز و در بسیاری از منازل وجود دارد. در پس صحنه‌ها، رایانه در همه اموری که انجام می‌دهیم، از خرید سبزی گرفته تا تلفن دخالت دارد. حتی پس از گذشت بیش از یک قرن تحول تقریباً ادامه‌دار در فن‌آوری ارتباطی و اختراع ابزارهایی از تلگراف و تلفن گرفته تا تلویزیون، هنوز احساس می‌شود که رایانه، هر چند اندک، از برخی جهات، با (سایر رسانه‌ها) تفاوت دارد. با درک این تفاوت، می‌توانیم جامعه جدیدی را که رایانه در حال ایجاد آن است و انقلابی را که خلق و هدایت کرده، بهتر بفهمیم» (فیدر، ۱۳۸۰: ۴).

اکنون که انقلاب رایانه‌ای در دو دهه اخیر مفهوم «جامعه اطلاعاتی» (Information Society) را به عنوان جامعه‌ای مبتنی بر اطلاعات، همنشین مفاهیم قدیمی نظیر «جامعه سنتی» (Traditional Society) و «جامعه صنعتی» (Industrial Society) قرار داده است، در کنار مواهب و مزایای این جامعه، بررسی چالش‌های نوین عصر ارتباطات و آسیب‌شناسی «جامعه اطلاعاتی» به عنوان ضرورتی انکارناپذیر مطرح می‌شود.

«نابرابری جهانی در توسعه ارتباطات» نخستین آسیب جدی است که در جامعه اطلاعاتی مورد بررسی قرار گرفته است (معمدنژاد، ۱۳۸۴: ۱۹۷). علاوه بر آن جامعه اطلاعاتی در بطن خود زاینده چالش‌های دیگری نیز هست.

براین اساس، موضوع این تحقیق بررسی دیدگاه‌های صاحب‌نظران و مجریان جامعه اطلاعاتی به منظور پیش‌بینی وضعیت «نظارت الکترونی» در جامعه اطلاعاتی ایران برای ۲۰ سال آینده است.

ضرورت و اهمیت تحقیق

در کشورمان ایران طرح چنین مباحثی همانند کشورهای در حال توسعه، ضروری می‌نماید. زیرا این کشورها برای پیشرفت و توسعه در عصر ارتباطات جهانی، بدون شناخت و درک صحیح از چگونگی پیدایش فن‌آوری‌های نوین ارتباطی، پیامدها و دستاوردهای آن، حتی با دستیابی به سخت‌افزارهای مدرن، توانایی بهره‌برداری از این سخت‌افزارها را نخواهند داشت. شناخت نقاط ضعف و قوت فن‌آوری‌های نوین ارتباطی بدون مطالعه، بررسی و تحقیق همه‌جانبه میسر نیست. از رهگذر چنین مطالعاتی است که می‌توان آینده‌نگری کرد و افق پیش‌روی جامعه را برای دهه‌های آتی ترسیم نمود. اهمیت و ضرورت مشارکت فعال ایران در «اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی» نیز از این منظر قابل بررسی است (معمدنژاد، ۱۳۸۲: ۵).

کشورهای در حال توسعه از جمله جمهوری اسلامی ایران، با شناخت دستاوردهای این گونه فن‌آوری‌ها و آسیب‌شناسی آن‌ها می‌توانند در تطبیق آن‌ها با شرایط فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه خود، در راه رشد اقتصادی و اجتماعی گام بردارند.

آسیب‌شناسی جامعه اطلاعاتی، محققان و اندیشمندان این حوزه را به شناخت آسیب‌های متفاوت «جامعه اطلاعاتی» نایل کرده است. از میان آسیب‌های شناخته

شده، چالش‌های نظارت فن‌آورانه بر تبادل حجم وسیع اطلاعات شخصی و غیر شخصی در شبکه داد و ستد پیام‌ها، مورد توجه قرار گرفته‌اند. این تحقیق نیز بر اساس ضرورت شناخت چالش‌های نظارت الکترونی در جامعه اطلاعاتی ایران در آینده صورت گرفته است.

(۱) مبانی نظری

مفاهیم «جامعه اطلاعاتی» (Information Society) و «جامعه نظارتی» (Surveillance Society) یا جامعه تحت نظارت در دهه اخیر مورد توجه نظریه‌پردازان علوم اجتماعی و علوم ارتباطات واقع شده است. در این تحقیق نیز این دو مفهوم در تبیین چالش‌های نظارتی فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات یا جامعه اطلاعاتی، جایگاه با ارزشی دارند.

۱- جامعه اطلاعاتی

برای شناخت سابقه، عناصر و اصول کلی جامعه اطلاعاتی لازم است در ابتدا به مرور دیدگاه‌ها و نظریه‌هایی که در این باره اظهار شده‌اند بپردازیم و سپس ابعاد گوناگون آن را کالبدشکافی نماییم.

۱-۱- نظریه‌های جامعه اطلاعاتی

بیشتر نظریه پردازان و متفکرانی که به بحث و بررسی جامعه اطلاعاتی پرداخته‌اند، بر سرعت تحولات فن‌آوری در شکل‌گیری این جامعه تأکید داشته‌اند. لی کیبل (Leight Keeble) و بریان دی. لودر (Brian D. Loader) استادان دانشگاه «تیس‌ساید» (Teesside) انگلستان و نویسندگان کتاب *جامعه انفورماتیک* به قدرت رایانه و رسانه‌ها در شکل‌گیری چالش‌ها در روابط اجتماعی پرداخته‌اند و یادآور می‌شوند:

«سرعت به هم پیوستن رسانه‌های جدید مانند اینترنت، تلویزیون دیجیتال، تلفن همراه و

دیگر فن‌آوری‌های ارتباطی، قدرتی را شکل دادند که زمینه برای چالش‌های جامعه و رفتارهای اقتصادی افراد را فراهم کرده‌اند» (Keeble, 2001: 1).

آن‌ها همچنین می‌افزایند:

«جامعه انفورماتیک زمینه چندبعدی برای سرمایه‌گذاری و بسط جامعه و عوامل فرهنگی است که توسعه و انتشار فن‌آوری‌های نوین ارتباطی و تأثیر آن‌ها را بر توسعه جامعه از طریق پیدایش دوباره و تحکیم آن‌ها فراهم می‌کند» (Keeble, 2001: 3).

مانوئل کاستلز (Manuel Castells) استاد اسپانیایی تبار جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای در دانشگاه برکلی کالیفرنیا، نویسنده کتاب سه جلدی *ظهور جامعه شبکه‌ای* (The Rise of the Network Society) که در ایران نیز در سه جلد ترجمه شده است، درباره عصر ارتباطات، عصری که جامعه اطلاعاتی را رقم زده است، چنین می‌گوید:

«در واقع، عصر اطلاعات به همان اندازه انقلابی است که انقلاب صنعتی یا انقلاب نوسنگی. البته در این میان تمایزی وجود دارد. عصر اطلاعات بر ارتباطات و پردازش اطلاعات متکی است و از همین رو، بر چیزی مختص انسان دلالت دارد، یعنی بر توانایی تولید دانشی جدید که محصول ارتباطات متقابل و معنادار از طریق زبان و آگاهی است» (کاستلز، ۱۳۸۰: ۱۵).

نگاه کاستلز به جامعه اطلاعاتی، نگاهی شبکه‌ای است و آن را به مثابه جامعه‌ای شبکه‌ای که یکی از ویژگی‌های سرمایه‌داری متکی به اطلاعات است، به شمار می‌آورد. وی معتقد است:

«جامعه شبکه‌ای محصول همگرایی سه فرآیند تاریخی مستقل است. این سه فرآیند عبارتند از: انقلاب اطلاعات که ظهور جامعه شبکه‌ای را امکان پذیر ساخت، تجدید ساختار سرمایه‌داری، و اقتصاد متکی به برنامه‌ریزی متمرکز از دهه ۱۹۸۰ به این سو با هدف غلبه بر تعارض‌های درونی این دو نظام و نهضت‌های فرهنگی دهه ۱۹۶۰ و دنباله‌های آن در دهه ۱۹۷۰، یعنی نهضت‌ها و جنبش‌هایی مانند فمینیسم و طرفداری از محیط زیست»

(کاستلز، ۱۳۸۰: ۱۵).

به عقیده کاستلز، بازسازی سرمایه‌داری به همراه فن آوری‌های نوین، منجر به تحولی اجتماعی و در نتیجه تحول شهر شده است. این تحول، شهر دوقطبی (Dual City) را جایگزین شهرهای سنتی می‌کند:

«شهر اطلاعاتی، نیازمند کارکنان اطلاعاتی است. پس در شهر اطلاعاتی، مشاغل یدی روبه کاهش می‌گذارد. در حالی که مشاغل خدماتی رو به رشد است، البته نه مشاغل خدماتی تولید کننده و دارای منزلت که از پردرآمدترین مشاغلند، بلکه مشاغلی که نیازمند کم‌ترین مهارت‌اند با کم‌ترین حقوق و اغلب پاره وقت ناپایدار و وابسته به فرصت‌های شغلی اقتصاد غیررسمی و عمدتاً هم در برگیرنده زنان و با پرداخت پول نقد (برای فرار از مالیات و موانع حقوقی اشتغال فارغ از مزایای قانونی).

پس در شهر اطلاعاتی، طبقه فرودست در کنار طبقه فرادست تشکیل می‌شود، چیزی که کاستلز آن را شهر دوقطبی یا دوگانه می‌نامد. فرهنگ غالب شهر اطلاعاتی از آن تولیدکنندگان اطلاعات است، هر چند که به لحاظ تعداد در اقلیتند» (دوران، ۱۳۸۰: ۷۸).

مانوئل کاستلز براساس مطالعه موردی (Case Study) شهرهای نیویورک و لس آنجلس، تلاش می‌کند تا به تعریف دقیقی از شهر دوقطبی دست یابد.

کاستلز برآورد می‌کند که بیش از ۳۰ درصد نیروی کار این شهرها را کارکنان اطلاعاتی تشکیل می‌دهند که در مشاغلی همانند تحلیل‌گران سیستم‌ها، تبلیغات‌گران، کارپردازان و سرانجام مدیران بانک‌ها به کار مشغولند (Castells, 1989: 184).

دیگر نظریه پرداز سرشناس «جامعه اطلاعاتی» فرانک وبستر (Frank Webster) استاد انگلیسی تبار روزنامه نگاری و ارتباط جمعی دانشگاه «تامپر» (Tampere) فنلاند است. کتاب معروف نظریه‌های جامعه اطلاعاتی (Theories of the Information Society) از آثار وبستر است که توسط انتشارات معتبر راتلج در سال ۱۹۹۵ منتشر شده است.

در این کتاب، مهم‌ترین نظریه‌های جامعه اطلاعاتی معرفی و نقد شده‌اند. از این رو

می‌توان نظریه کسانی چون دانیل بل (Daniel Bell) نظریه پرداز امریکایی، آنتونی گیدنز (Anthony Giddens) استاد جامعه‌شناسی دانشگاه‌های انگلستان، «هربرت شیلر (Herbert Schiller) منتقد ارتباطی امریکایی و یورگن هابرماس (Jurgen Habermas) آخرین نظریه‌پرداز مکتب فرانکفورت را در کنار دیدگاه‌های مانوئل کاستلز مطالعه کرد:

«به نظر دانیل بل، جامعه‌پسا صنعتی نیازمند مقادیر بیش‌تری اطلاعات است و از سوی دیگر نیازمند یک تغییر کیفی به ویژه در دانش نظری است.

گیدنز معتقد است که جوامع جدید از بدو پیدایش، اطلاعاتی بوده‌اند، زیرا دولت ملی به اطلاعات درباره‌ی شهروندان برای بسیج آن‌ها در مقابل دشمن و اخذ مالیات نیازمند است. هربرت شیلر یک پرسش اصلی دارد: تکنولوژی جدید اطلاعات به نفع چه کسی و تحت کنترل کیست؟ در نهایت شیلر، سرمایه‌داری شرکتی را ذینفع اصلی انقلاب اطلاعاتی معرفی می‌کند.

هابرماس، با تأکید بر اهمیت اطلاعات در «عرضه عمومی» معتقد است با استقرار سرمایه‌داری و تک‌قطبی شدن رسانه‌های توده‌ای، عرضه عمومی رو به انحطاط رفته و در واقع عرصه‌ای برای نمایش قدرت شده است.

مانوئل کاستلز ذهن خود را متوجه تغییر در ساخت طبقاتی شهر می‌کند: شهر اطلاعاتی نیازمند کارکنان اطلاعاتی است، پس در این شهر، مشاغل یدی، روبه‌کاهش می‌گذارد و مشاغل خدماتی که نیازمند کم‌ترین مهارت است، رشد می‌کند» (دوران، ۱۳۸۰: ۷۴).

براساس بررسی فرانک وبستر در کتاب *نظریه‌های جامعه اطلاعاتی*، به طور کلی پنج گونه تعریف از جامعه اطلاعاتی ارائه شده است. این تعاریف براساس آن که بر کدام جنبه از حیات اجتماعی تأکید نموده‌اند، به این شرحند:

- ۱- تعریف تکنولوژیک، ۲- تعریف اقتصادی، ۳- تعریف مبتنی بر اشتغال،
- ۴- تعریف مکانی و ۵- تعریف فرهنگی (وبستر، ۱۳۸۰: ۲۰).

پس از آن، وبستر ضمن ارائه هر یک از تعاریف فوق در خصوص جامعه اطلاعاتی،

انتقادات خود را نیز مطرح می‌سازد.

۱-۲- نظریه‌های جامعه‌نظارتی

به موازات شکل‌گیری جامعه‌اطلاعاتی، شیوه‌های نظارت بر اطلاعات نیز در جامعه پدیدار شده‌اند (Beniger, 1986: 21-27).

شیوه‌های نظارت در جامعه اطلاعاتی همان‌گونه که تأثیرات خود را بر شهروندان و جامعه گذاشته‌اند، تأثیراتی بر شیوه‌نگرش و ارزیابی صاحب‌نظران و نظریه‌پردازان، نویسندگان، ادیبان و جامعه‌شناسان نیز داشته‌اند. این تأثیرات باعث شده‌اند تا آن‌ها در آثار و نوشته‌های خود به طرح دیدگاه‌ها و نظرات خویش درباره وضعیت نظارت در جامعه اطلاعاتی بپردازند (مسعودی، ۱۳۸۲: ۴۳).

۱-۲-۱. نظریه پردازان و جامعه‌نظارتی

اصطلاح «جامعه‌نظارتی» از سوی نظریه‌پردازان، نخستین بار در سال ۱۹۸۵ میلادی توسط گری. تی. مارکس (Gary T. Marx) استاد ممتاز دانشگاه ماساچوست و جامعه‌شناس امریکایی، در مقاله‌ای با عنوان «جامعه‌نظارتی، تهدید فن‌آوری‌های سبک رمان ۱۹۸۴» مطرح شد. او این اصطلاح را برای وضعیتی که با فن‌آوری رایانه، یکی از آخرین موانع کنترل کامل از میان برداشته شد، وضع کرد (Marx, 1985: 21-26). دومین محقق که اصطلاح «جامعه‌نظارتی» را در آثار خود بیان کرد، دیوید فلاهرتی (David Flaherty) است که دکترایش را از دانشگاه کلمبیا اخذ کرده و استاد جامعه‌شناسی دانشگاه اوتاریوی غربی کانادا است. او در سال ۱۹۸۹ مجموعه کتاب‌هایش را با عنوان حفاظت اسرار شخصی در جوامع نظارتی: جمهوری فدرال آلمان، سوئد، فرانسه، کانادا، و ایالات متحده آمریکا نوشت و در همین کتاب‌ها به طرح اصطلاح «جامعه‌نظارتی» پرداخت (Flaherty, 2005: 1).

دیوید لایون (David Lyon) استاد دانشگاه کویینز (Queens University) کانادا و یکی دیگر از پیشروان نظریه جامعه‌نظارتی، می‌گوید: «آینده جوامع که ما آن را «نوگرایی» می‌نامیم، بر مبنای سیستم اقتصادی سرمایه‌داری است که ابعاد قدرتمند

نظارت را با خود به همراه دارد» (Lyon, 1999: 25).

از نظر کارل مارکس (Karl Marx) فیلسوف سرشناس آلمانی و نویسنده کتاب سرمایه، نظارت در مبارزه بین کارگر و سرمایه دار: داد و ستدهای تجاری و نظام سرمایه شکل گرفت.

از نظر مارکس، مدیریت برای مراقبت از کارگران و اطمینان از نیروی نظم آنها و گردآوردن آنها در زیر یک سقف اقدام می‌کند. آنها از حداکثر فن آوری برای استفاده از ماشین‌هایی برای نظارت بر کار افراد کارگر در کارخانه استفاده می‌کنند (Marx, 1976: 435).

از نگاه کارل مارکس ایده‌های طبقه حاکم در هر عصری ایده‌های حاکم جامعه هستند. پس طبیعی است که برای حاکمیت ایده طبقه سرمایه‌داری، نظارت بر کارگران اعمال شود.

دیوید لایون که بیش‌ترین آثار را درباره جامعه نظارتی و چشم الکترونی تألیف کرده است، نیز برای بیان نظریه خود در مورد تأثیر مخرب فن آوری‌های نوین بر انسان‌ها و شیوه‌های کنترل افراد در جامعه در ابتدای کتاب پسامدرنیته، از فیلم سینمایی تیغ رو به مثابه نقطه اوج سینمای پسامدرن یاد می‌کند.

او در این کتاب پیرامون فن آوری‌های نوین و نگرانی‌هایی که پرسش‌های جدیدی را درباره مدرنیته همراه دارد تحقیق می‌کند. او راجع به دلواپسی‌هایی که بدون سرو صدا نوگرایی را به نمایش می‌گذارند و در مورد این که چگونه جامعه شناسی می‌تواند و باید بتواند این تغییر را برجسته کند، پرسش می‌کند (Lyon, 1999: 2).

فرانک وبستر، اندیشمند انگلیسی با دو اثر مشهور خود نظریه‌های جامعه اطلاعاتی (۱۹۹۵) و کتاب فرهنگ و سیاست در عصر اطلاعات، یک سیاست جدید؟» (۲۰۰۱) به طرح دیدگاه‌های خود در زمینه جامعه اطلاعاتی و جامعه نظارتی می‌پردازد.

از میان آثاری که بر شمردیم، هر یک به نوعی غیرمستقیم وارد مباحث جامعه

نظارتی و جامعه اطلاعاتی می‌شوند. اما اثر انتشار یافته از جیمز. آر. بنیگر (James R. Beniger) استاد مدعو ارتباطات و جامعه شناسی در دانشگاه کالیفرنیا جنوبی، با عنوان *انقلاب کنترل، فناوری و اقتصاد سرچشمه‌های جامعه اطلاعاتی* (۱۹۸۶)، و اثر معروف دیوید لایون با عنوان *چشم الکترونی، پیدایش جامعه نظارتی* (۱۹۹۴)، به طور مستقیم وارد مباحث مربوط به جامعه اطلاعاتی و جامعه نظارتی شده‌اند و ابعاد گوناگون چنین جوامعی را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند.

بررسی مسائل مرتبط با جامعه اطلاعاتی تنها دل‌مشغولی نظریه‌پردازان ارتباطی نیست، بلکه درکنار جامعه شناسان، فیلسوفانی چون میشل فوکو (Michel Foucault) با بحث‌گفتمان قدرت و نظارت در کتاب *مراقبت و تنبیه* یا فرانسوا لیوتار (Jean Francois Lyotard) فیلسوف دیگر فرانسوی به طور پراکنده به ارائه دیدگاه‌های خود درباره جامعه نظارتی پرداخته‌اند.

از نظر میشل فوکو، فیلسوف فرانسوی از آن رو جرمی بنتام (Jeremy Bentham) فیلسوف انگلیسی، زندان و ندامتگاه را نمونه اصلی مطالعات خود در جامعه سراسرین (Panopticon) قرار داد که کارکردهایی چندگانه دارد: مراقبت، کنترل خودکار، حبس موقت، انزوا، کار اجباری و آموزش. از این رو فوکو معتقد است هر زمانی که با جمعیتی از افراد روبه‌رو می‌شویم که باید کار یا رفتاری را بر آن‌ها تحمیل نمود، می‌توان از طرح سراسرین بنتام استفاده کرد (فوکو، ۱۳۷۸: ۲۵۶).

بنتام نیز بر کاربرد سراسرین در مؤسسه‌های وسیع تأکید می‌کند: «در تمامی مؤسسه‌هایی که باید شماری از افراد در محدوده‌های مکانی نه بسیار وسیع تحت مراقبت قرار گیرند» (Bentham, 1943: 7)، سراسرین را می‌شود به کار بست. در مجموع، از بحث‌های نظارت الکترونی در جامعه اطلاعاتی می‌توان نتیجه گرفت که این گونه نظارت‌ها برخلاف نظارت‌های فیزیکی، مکانیکی و انسانی، اولاً نامریی هستند و معمولاً آدم‌ها از بالا دیده می‌شوند؛ ثانیاً حریم نمی‌شناسند زیرا به عمق خانواده و زندگی خصوصی افراد نفوذ می‌کنند؛ ثالثاً محدوده زمانی ندارند و هر لحظه

می‌توانند افراد را نظارت کنند؛ رابعاً نظارت، به طور غیرمستقیم و توسط وسایل ارتباطی نوین صورت می‌گیرد. ناظر می‌تواند نظارت شده را ببیند ولی نظارت شده نمی‌تواند ناظر را ببیند و بشناسد.

بدیهی است، میان «نظارت» (Surveillance) و «سانسور» (Censorship) یا فیلترینگ (Filtering) تفاوت وجود دارد.

سانسور و فیلترینگ، حذف تمام یا بخشی از اطلاعات است. در حالی که «نظارت»، توانایی اشراف بر اطلاعات و مشاهده داده‌های در گردش است که البته می‌تواند زمینه ساز سانسور و کنترل داده‌ها نیز باشد. بر این اساس، «نظارت» همواره مقدم بر «سانسور» است.

۲-۱-۲ دیدگاه‌های اصلی در نظریه‌های جامعه نظارتی

پس از بحث و بررسی پیرامون دیدگاه‌ها و نظریه‌های ارائه شده درباره جامعه اطلاعاتی و نظارت‌های حاکم بر آن می‌توان دو دیدگاه نظریه پردازان را در این باره از یکدیگر تفکیک و مشخص کرد:

۱-۲-۲-۱ دیدگاه اول: دیدگاه‌های انتقادی

نظریه پردازان ارتباطی بر این باورند که پیوستن شهروندان به شبکه جهانی اطلاعات و ارتباطات، سبب ذخیره شدن اطلاعات شهروندان نزد دولت و سازمان‌های صنعتی و خدماتی می‌شود و زمینه سوء استفاده از این اطلاعات را برای آن‌ها فراهم می‌کند.

نظریه پردازان انتقادی در این دسته بندی عبارتند از کسانی چون: دیوید لاین استاد دانشگاه کوئینز کانادا، یورگن‌ها برماس، فیلسوف آلمانی مکتب فرانکفورت، میشل فوکو، فیلسوف فرانسوی و جرمی بنتام فیلسوف انگلیسی و نظریه پرداز جامعه سراسرین (Panopticon) یا «نظام دیده‌بانی صرف بر همه جا و همه کس» (نوذری، ۱۳۷۵: ۳۵).

۱-۲-۲-۲ دیدگاه دوم: دیدگاه‌های خوش‌بینانه

در برابر دیدگاه‌های بدبینانه، نظریه پردازان خوش‌بین، گردش حجم انبوه اطلاعات

در شبکه‌های ارتباطی جامعه را زمینه ساز شکل‌گیری مقاومت‌های تمامیت خواه و توتالیتر نمی‌دانند، بلکه به دموکراسی الکترونی (Electronic Democracy) و جامعه‌ای آزاد می‌اندیشند.

برخلاف دیدگاه بدبینانه و انتقادی نظریه پردازان نسبت به جامعه نظارتی، نظریه پردازانی چون فرانک وبستر، آلوین تافلر (Alvin Toffler) و دانیل بل، به حذف سانسور و نظارت در شبکه‌های اینترنتی اشاره می‌کنند. آن‌ها افزایش تعداد کاربران اینترنت را در سراسر جهان به فال نیک می‌گیرند و آن را زمینه ساز دموکراسی الکترونی و «تله دموکراسی» (Tele Democracy) می‌دانند.

این تحقیق با استفاده از مبانی نظری ارائه شده و به ویژه با تأکید بر دیدگاه‌های انتقادی، محققان تعریف جامعه نظارتی را از نظریات جان بروکشایر تامپسون، نظریه پرداز انگلیسی ارتباطات احصاء کرده و پذیرفته است. در این تعریف، جامعه تحت نظارت، یا جامعه نظارتی این گونه معرفی شده است:

«جامعه تحت نظارت، جامعه‌ای است که در آن با رایانه‌ای شدن بیشتر فایل‌های اطلاعاتی که در مکان‌های جداگانه برای مقاصد خاصی نگهداری می‌شوند، امکان دسترسی دیگران به این اطلاعات فراهم می‌شود» (تامپسون، ۱۳۷۹: ۱۸۶).

۳-۱- راه حلی برای وضعیت تناقض‌نمای (Pradoxical) جامعه نظارتی و جامعه اطلاعاتی

برای حل مسئله تناقض‌آمیز جامعه نظارتی و جامعه اطلاعاتی، می‌توان از دیدگاه رابرت رایت (Robert Wright) محقق مدعو دانشگاه پنسیلوانیا بهره گرفت.

رابرت رایت، محقق دانشگاه پنسیلوانیا و نویسنده کتاب *ناصفر: منطق سرنوشت انسان و جانور اخلاقی: روان‌شناسی تکاملی و زندگی روزمره که تلاش می‌کند تا با «نظریه ناصفر» (Non-Zero) به حل تناقض‌نماهای موجود در علم پردازد. از یک مثال عامه فهم استفاده می‌کند:*

«در بازی‌های دوطرفه مثل تنیس، اختلاف پیروزی یک بازیکن برابر اختلاف شکست برای بازیکن دیگر است. برای مثال اگر من ۶ به ۲ ببرم، شما ۲ به ۶ می‌بازید. آنگاه اختلاف پیروزی من ۴+ و اختلاف شکست شما ۴- است که مجموع آن صفر خواهد شد.»

در بازی‌های ناصفر هر دو بازیکن برنده هستند. همچنان که در یک مرادۀ اقتصادی من با خرید محصول شما برنده می‌شوم و شما با دریافت پول از من برنده هستید» (Wright, 2005: 435).

از نظر رایت، طی میلیاردها سال تاریخ طبیعی و هزاران سال تاریخ عمر انسان، همواره گرایشی فزاینده به سوی بازی‌های ناصفر میان جانداران وجود داشته است که به آن‌ها اجازه داده تا بازیکنان ناصفر بیش‌تری ادامه بقا دهند (Shermer, 2005: 2). رایت نتیجه تناقض میان شر و خیر را در حیات آدمی سرانجام به نفع خیر می‌داند. دکتر مهدی محسنیان‌راد، استاد دانشگاه امام صادق (ع) تهران، معتقد است در داد و ستد پیام به جای کانال فروشنده یا ارائه دهنده پیام مالکیت خودش را از دست نمی‌دهد، بلکه دیگران را هم مالک آن پیام می‌کند. او در نظریه بازار پیام (Message Bazaar Theory) حجم و جهت مبادله پیام در بازار پیام را با این اشتراک مالکیت، فراتر از جریان دوسویه داد و ستد می‌داند و آن را «درهم‌تندنی پویا» (dynamic web) می‌خواند. به همین دلیل حجم پیام به صورتی جهشی، دایم در حال افزایش است و امکان نظارت بر این حجم انبوه پیام و کنترل آن روز به روز دشوارتر می‌شود (Mohsenianrad, 2004: 8).

در هر حال، به نظر می‌رسد که همپای انبوهی پیام، فن‌آوری‌های ارتباطی نیز رشد و توسعه روزافزون خواهند داشت و این گفته البته متکی بر روند تاریخی توسعه فن‌آوری‌های ارتباطی در جهان دیروز و امروز است. به همین دلیل می‌توان وضعیت تناقض‌نمای نظارت در جامعه اطلاعاتی را با منطق ناصفر رایت بهتر تبیین کرد.

۱-۴- ایران و جامعه تحت نظارت

دو دوره متفاوت از نظارت برگردش پیام را در ایران می‌توان بررسی کرد:
اول: دوران سنتی و پیشاالکترونی، دوره‌ای که فن انتقال پیام توسط سوارکاران و کبوتران نامه‌بر و سامانه چاپار، سیستم نظارتی وسیعی را از دوران هخامنشیان تا دوران قاجاریه بر این کشور حاکم کرده بود. حتی تغییر حکومت‌ها نیز در بهره برداری از این سامانه، تحولی بر جای نگذاشت. مثلاً این سامانه در دوران مغول نیز نقشی حایز اهمیت برای اطلاع رسانی و نظارت سردمداران حکومت داشت (مسعودی، ۱۳۸۲ب: ۴۱).

تحول اساسی در وسایل ارتباط جمعی در ایران، با پیدایش و تأسیس تلگرافخانه در سال ۱۲۳۶ هجری قمری (۱۸۵۸ میلادی) آغاز می‌شود. در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۱۹ که نخستین فرستنده رادیویی در ایران افتتاح می‌شود، وسایل ارتباطی الکترونی، شیوه‌های جدیدی از ارتباطات اجتماعی را در جامعه ایران ایجاد می‌کنند (بابایی، ۱۳۸۳: ۸۴).

به عنوان مثال، صاحب‌منصبان انگلیسی با حضور کارمندان و مدیران خود در تلگرافخانه‌های ایران، حدود یکصد سال بر پیام‌های الکترونی تلگراف ایران نظارت می‌کردند. آن‌ها کلیه اخبار و اطلاعات دولتی و ملتی را در اختیار داشتند و آن‌ها را به مراکز تصمیم‌گیری در لندن ارسال می‌کردند (معمدی، ۱۳۷۶: ۳۰).

هر چند ناصرالدین شاه نیز برای باخبر شدن از اوضاع، تلگرافچی‌ها را از طبقه دربار انتخاب می‌کرد و آن‌ها نیز موظف بودند با نظارت بر پیام‌ها، اخبار را به دربار اطلاع دهند. علاوه بر این ناصرالدین شاه در کاخ نیز تلگرافخانه داشت و هر روز صبح در جریان خبرهای کشور قرار می‌گرفت و بر پیام‌های تلگرافی کشور نظارت داشت (همان منبع، ۳۱).

دوم: نظارت الکترونی در ایران همزمان با آغاز عصر اطلاعات و ارتباطات و در دهه پایانی قرن بیستم مطرح می‌شود.

دهه ۱۹۹۰ میلادی، دهه ماهواره و رایانه است. در آغاز قرن بیست و یکم، فن‌آوری‌های نوین ارتباطی، بحث‌های جدیدی را پیرامون نظارت الکترونی در جامعه ایران پدید آوردند.

واقعیت آن است که از سال‌ها پیش از این، شبکه ماهواره‌ای «اشلون» (Echelon) کار نظارت بر جوامع توسط آمریکا را بر عهده داشته است. سازمان امنیت ملی آمریکا، روزانه میلیون‌ها ارتباط از راه دور را از طریق سامانه ماهواره‌ای و رایانه‌ای اشلون، ره‌گیری می‌کند. کنترل شهروندان اروپایی و دخالت در حریم خصوصی افراد، رویه‌ای است که با مخالفت کشورهای در حال توسعه و ضد استعماری روبه‌رو شد. خبری که در روزنامه آفتاب یزد مورخ ۱۵ آبان ۱۳۸۴ منتشر شده و حکایت از اعتراض پرستاران برخی از بیمارستان‌های تهران نسبت به نصب دوربین‌های مدار بسته در ایستگاه‌های پرستاری دارد نیز در این زمینه جالب توجه است!

«معاون پشتیبانی سازمان نظام پرستاری از نصب دوربین‌های مدار بسته در ایستگاه‌های پرستاران برخی بیمارستان‌های تهران خبر داد و گفت: با این کار حریم خصوصی بیماران و پرستاران در این بیمارستان‌ها شکسته می‌شود.

وی با بیان این که سازمان نظام پرستاری گذاشتن دوربین مدار بسته را در ایستگاه پرستاری تصحیح می‌کند، گفت: این طریقه کنترل، دور از شئون اخلاقی و اسلامی است و وجود چنین اتفاقاتی در برخی بیمارستان‌ها به دور از اصول اخلاقی است» (آفتاب یزد، ۱۳۸۴/۱۵/۸: ۹).
در واقع، آن چه را که معاون سازمان نظام پرستاری بر آن تأکید می‌کند، خوف نظارت دگرانگیخته یا نظارت دیگری و جایگزینی نظارت خودانگیخته یا خودنظارتی پرستاران است.

اصول اسلامی نیز بر تقویت خودنظارتی و تقوا به جای دگرنظارتی تأکید دارد. به همین دلیل است که نصب دوربین‌های فیلمبرداری یا عکسبرداری و استفاده از آینه‌های غیرمعمول در اتاق‌های پرو بوتیک‌های تهران به عنوان یک سوء استفاده در مطبوعات کشور مطرح شده است.

گزارش روزنامه همشهری درباره سوء استفاده از اتاق‌های پرو به عنوان یک «نیرنگ کهنه» به خلاء قانونی در مورد مجازات افراد سودجو و انگیزه‌های آنان می‌پردازد (قنبرپور، ۱۳۸۳: ۹).

امروزه دوربین‌های مداربسته در سطح شهر، به مسئولان جهت رفع مشکل ترافیک کمک می‌کنند، پلیس را در جریمه و برخورد با رانندگان متخلف یاری می‌دهند و دولت می‌تواند با نظارت بر پیام‌های الکترونی در شبکه اینترنت بر فعالیت‌های سازمان‌ها و افراد نظارت کند یا آن‌ها را کنترل نماید. برخی از این نظارت‌ها مورد قبول افراد جامعه‌اند. اما برخی نیز به دلایل اخلاقی و انسانی نمی‌توانند در جامعه و نزد افراد مقبولیت داشته باشند. اما آن‌چه که مسلم است، جامعه نظارتی بیش‌تر به مفهوم نظارت و کنترل دولت‌ها بر رفتار و زندگی شهروندان تعبیر و تفسیر می‌شود. در چنین نظارتی همراه دوربین‌های مداربسته و نظارت‌های دیجیتال نیز کاربردهای مثبت و منفی خود را دارند.

در بخش روش‌شناسی تحقیق، پژوهشگر تلاش کرده است تا با کسب نظر و دیدگاه صاحب‌نظران جامعه اطلاعاتی، ابعاد گوناگون نظارت را در این جامعه بررسی کند و به پیش‌بینی و آینده‌نگری وضعیت نظارت در ۲۰ سال آینده ایران بپردازد.

۲- روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

پس از کسب نظرها و پیش‌بینی‌های «متخصصان» (سرآمدان) جامعه اطلاعاتی در ایران، با روش دلفی، به منظور افزایش «قدرت تعمیم» این پیش‌بینی‌ها، با تهیه پرسشنامه‌ای، آن را به جمعیت نمونه «مجریان» ارائه کردیم. مطالعات نشان داد جمعیت آماری کارشناسان و مجریان مورد بررسی با توجه به لیست شرکت‌های خدماتی اینترنتی ۳۸۰ نفر است. لذا با توجه به جدول نمونه‌گیری «کرجسی» و «مورگان» (Krejcie and Morgan)، حجم نمونه مجریان ۱۹۱ نفر تعیین شد (Sarantakos, 2005: 173).

۳- روش جمع‌آوری اطلاعات

در این تحقیق برای کسب آگاهی‌های منظم و صحیح راجع به پدیده نظارت فن‌آورانه در جامعه اطلاعات بر افراد و سازمان‌ها، مطالعات اکتشافی (Exploratory Studies) صورت می‌گیرد. هدف اصلی تحقیق حاضر، تشریح واقعیت جامعه اطلاعاتی و پدیده نظارت حاکم بر آن است. در پی یافتن پاسخ برای پرسش‌هایی در این باره هستیم که با چه؟ چگونه؟ چند؟ چطور؟ و... شروع می‌شوند.

محقق در این تحقیق در ابتدا از طریق مطالعه کتاب‌ها، مقالات و اسناد موجود در کتابخانه‌ها و نیز اطلاعات قابل دسترسی از طریق اینترنت که با تحقیق مرتبط هستند از روش اسنادی بهره برده است.

از نگاه محقق، جامعه نظارتی در کل به معنای تجاوز به حریم خصوصی و حقوق شهروندی، فردی و اجتماعی مردم جلوه می‌کند. از این رو کارکردهای مثبت احتمالی آن با تردید فراوان پذیرفته می‌شوند.

همچنین در این پژوهش، با استفاده از روش دلفی (Delphi) در ابتدا از طریق تهیه لیست کلیه افراد صاحب‌نظر تعداد ۱۶ صاحب‌نظر یا سرآمد با مشورت ۵ محقق و استاد دانشگاه، عضو «انجمن ایرانی مطالعات جامعه اطلاعاتی» انتخاب و پس از دو مرحله مصاحبه حضوری و یک مرحله مصاحبه کتبی، سرانجام توافق ۱۶ صاحب‌نظر بر ۱۸ ایده اخذ شد. آنگاه به منظور افزایش قدرت تعمیم این پیش‌بینی‌ها با روش پیمایشی (Survey Research) و توزیع پرسشنامه میان صاحب‌نظران و متخصصان حوزه ارتباطات در ایران اطلاعات به دست آمده، محکی دوباره زده شد. در ادامه «روش دلفی» را برای آشنایی بیش‌تر، به طور خلاصه معرفی می‌کنیم.

۴- روش دلفی

نام این روش از «اوراکل دلفی» (Orakel Delphi)، معبدی در یونان باستان گرفته شده و خود نشان‌دهنده آن است که این روش به پیشگویی درباره آینده می‌پردازد.

«آینده‌اندیشی نه یک طرح است و نه یک برنامه اجرایی، بلکه مجموعه‌ای از پیشنهادها است، برای همه کسانی که ممکن است با این مسئله ارتباط داشته باشند» (محمد حسینی، ۱۳۸۲: ۱).

روش‌های زیادی برای آینده‌اندیشی وجود دارند که میزان اثربخشی هر یک از آنها متفاوت است. براین اساس، میزان استفاده از این روش‌ها در کشورهای مختلف و براساس مسئله تحقیق برای پژوهشگران فرق می‌کند.

برای آینده‌اندیشی معمولاً روش‌هایی چون درخت رابطه، تحلیل روند، سناریو (صحنه پردازی) و دلفی، توسط محققان به کار بسته می‌شوند و از میان این سه روش نیز «روش دلفی» در میان محققان اجتماعی به دلایلی که برخواهیم شمرد، کاربرد بیش‌تری یافته است.

این روش بر پایه روش‌های خلاقانه حل مسئله علمی بنا شده است و در تحلیل فن‌آوری سیستم‌ها به طور خاص کاربرد دارد.

ارزیابی فن‌آوری را پژوهشگران به دو بخش روش‌های کمی و روش‌های کیفی دسته‌بندی و تقسیم می‌کنند که در این میان روش دلفی خصوصیات هر دو دسته کمی و کیفی را داراست. زیرا از یک سو مبتنی بر داده‌های دست اول است و از دیگر سو می‌توان بر روی این داده‌ها محاسبات کمی را انجام داد.

موفقیت محقق در این روش بستگی زیادی به شیوه انتخاب متخصصانی دارد که پرسشگر، ایده‌های آن‌ها را پیرامون مسئله مورد تحقیق و آینده‌نگری آنان جویا می‌شود.

بهترین افراد برای انتخاب و پاسخگویی، افراد متخصص در زمینه موضوع پژوهش هستند.

باید توجه داشت افرادی که در یک زمینه تخصصی مشغول به کارند، معمولاً نسبت به آن دیدگاهی خوش‌بینانه دارند. به همین دلیل گفته می‌شود که قاعده صحیح انتخاب متخصصان چنین است:

«متخصصانی که دربارهٔ زمینه‌ای خاص آگاهی کافی دارند، ولی مستقیماً در آن درگیر نیستند، باید برای نظر دادن ترغیب شوند» (محمد حسینی، ۱۳۸۲: ۳).

دلبرت میلر (Delbert Charles Miller) روش شناس آمریکایی تحقیقات اجتماعی در کتاب *راهنمای سنجش و تحقیقات اجتماعی*^(۱) روش یا تکنیک (Technique) «دلفی» را روشی برای جمع‌آوری دیدگاه‌های متخصصان پراکنده یا متخاصم می‌داند: «تکنیک دلفی یک روش شناسی پیش‌بینی است برای کسب نظر تخصصی دربارهٔ هر موضوع معینی. این تکنیک را شرکت راند (RAND) در اوایل سال ۱۹۵۰ ابداع کرد تا کنش‌ها و احساسات بین شخصی را که عموماً در تعامل متخصصین در گردهمایی‌ها پیش می‌آید به منزله متغیرهای کنترل‌کننده حذف کند. دلفی به جای قرار دادن متخصصان در یک کنفرانس یا گردهمایی چهره به چهره، از پاسخ‌های کتبی سود می‌جوید. ناشناخته بودن نوشته مانع نفوذ افراد خاص در گردهمایی گروه می‌شود. این تکنیک به ویژه در جایی مفید است که متخصصان بسیار پراکنده‌اند و قادر به تماس مستقیم و رودررو با یکدیگر نیستند. همچنین در جایی که پاسخگویان با یکدیگر متخاصم‌اند نیز می‌تواند سودمند واقع گردد» (میلر، ۱۳۸۰: ۳۶۰).

محققان و نظریه‌پردازان، روش دلفی را یکی از شناخته‌ترین روش‌های تعاملی کیفی، ساختارمند و غیر مستقیم می‌دانند که برای پیش‌بینی آینده به کار می‌رود. آینده‌نگری به روش دلفی در کشورمان بی سابقه نیست. در ایران، سال ۱۳۵۴ بحث دربارهٔ چارچوب نظری طرح آینده‌نگری فن‌آوری رسانه‌ها و آیندهٔ رادیو و تلویزیون کشور، در قالب همایشی پیرامون ساخت و نقش رسانه‌ها در شهر شیراز برگزار شد. در این همایش دربارهٔ ساخت کنونی و آیندهٔ رادیو و تلویزیون در ایران بحث و بررسی به عمل آمد و نتایج تحقیق آینده‌نگری که به روش دلفی انجام شده بود، به حضار اعلام گردید (تهرانیان، ۱۳۵۶: ۴۴۶).

۵- یافته‌های تحقیق

برای اجرای روش دلفی، دیدگاه‌های ۱۵ صاحب‌نظر اخذ شدند. در مرحله اول ۲۷ پیش‌بینی و در مرحله دوم، پس از هم‌رأیی، ۱۸ پیش‌بینی اظهار شدند. این ۱۸ پیش‌بینی در قالب ۱۸ پرسش در اختیار صاحب‌نظران و مجریان جامعه اطلاعاتی ایران قرار گرفتند تا به ارزشگذاری آن از نمره صفر تا ۵ در طیف «لیکرت» بپردازند:

۵-۱- با پیشرفت فن‌آوری‌های نوین ارتباطی، صاحبان وسایل ارتباطی الکترونی می‌توانند بر بسیاری از رفتارها و گفتارهای مردم نظارت کنند.

۵-۲- نظارت الکترونی در جامعه، جنبه‌های مثبت و منفی فراوانی دارد. مهم این است که چه کسی یا کسانی وظیفه نظارت را بر عهده دارند و مالک وسایل نظارتی هستند.

۵-۳- برای جلوگیری از سوء استفاده نظارت الکترونی بر جوامع، به قوانین لازم برای حمایت از آزادی‌ها و حفظ حریم خصوصی بیش از پیش نیازمند هستیم.

۵-۴- نظارت الکترونی بر جامعه، آزادی‌های شهروندان را محدود می‌کند.

۵-۵- در ۲۰ سال آینده، «خودنظارتی» الکترونی و تمایل شهروندان به نظارت، بیش‌تر از «دگرنظارتی» الکترونی (یعنی نظارتی که شهروندان به آن تمایل ندارند) خواهد بود.

۵-۶- شهروندان ایرانی در ۲۰ سال آینده در برابر «دگرنظارتی» دولت‌ها، بر رفتار شهروندان، مقابله و ایستادگی خواهند کرد. این مقاومت در حوزه جریان‌های جهانی صورت می‌گیرد.

۵-۷- در ۲۰ سال آینده، نظارت الکترونی دولت بر رفتار شهروندان به صورت قانونمند در جامعه اعمال خواهد شد.

۵-۸- در ۲۰ سال آینده، انواع نظارت‌های الکترونی در ایران، تحت تأثیر نظارت الکترونی و تحولات آن در جهان انجام خواهد شد.

- ۵-۹- دولت در ۲۰ سال آینده، برای اجرای نظارت الکترونی در ایران تلاش بیش‌تری خواهد کرد و موفقیت بیش‌تری در این زمینه کسب خواهد کرد.
- ۵-۱۰- نظارت الکترونی ۲۰ سال آینده در ایران، کار نظارت را برای ناظران، سریع‌تر و دقیق‌تر خواهد کرد.
- ۵-۱۱- شکاف دیجیتال در جامعه ۲۰ سال آینده ایران کم‌تر خواهد شد و نظارت الکترونی توسط ثروتمندان و فقرا از نظر امکانات تقریباً یکسان خواهد شد.
- ۵-۱۲- افزایش یا کاهش «سواد رسانه‌ای» در ۲۰ سال آینده ایران، با افزایش یا کاهش نظارت الکترونی بر جامعه رابطه‌ای ندارد.
- ۵-۱۳- نظارت الکترونی در ۲۰ سال آینده، زمینه شفاف شدن رفتارهای شهروندان ایرانی را فراهم می‌کند. زیرا آن‌ها رفتارهای خود را در معرض دید و قضاوت ناظران می‌بینند و سعی می‌کنند مرتکب خطا و اشتباه نشوند.
- ۵-۱۴- دولت ایران در ۲۰ سال آینده، برای ایجاد دیتاستر (مرکز داده‌های ملی) و هاستینگ ملی یا منطقه‌ای به منظور شکستن انحصار جهانی (مثل آیکان در امریکا) بیش‌ترین تلاش خود را به کار خواهد بست؛ هر چند رقبا هم پیشرفت خواهند کرد، ایران نیز پیشرفت خواهد کرد.
- ۵-۱۵- نظارت الکترونی در ۲۰ سال آینده زمینه را برای تغییرات فرهنگی و اصلاح سنت‌های دست و پاگیر در جامعه ایران فراهم می‌کند.
- ۵-۱۶- در ۲۰ سال آینده، نظارت الکترونی در ایران در سطحی بالاتر و تخصصی‌تر صورت خواهد گرفت.
- ۵-۱۷- نظارت دولتی در جامعه ایران، طی ۲۰ سال آینده باعث آسیب‌پذیری آزادی‌های فردی و شکستن حریم شخصی افراد می‌شود.
- ۵-۱۸- در ایران ۲۰ سال آینده، نظارت الکترونی مردم و نهادهای غیر دولتی بر رفتارها و عملکرد دولت، باعث پیشرفت و توسعه بیش‌تر جامعه می‌شود.
- پس از ارزشگذاری صاحب‌نظران و مجریان پاسخگو، هر ۱۸ پیش‌بینی، نمرات

بالایی در چارک دوم و سوم فراوانی‌ها کسب کردند و تأیید شدند. با مقایسه جداول توزیع فراوانی و نمودارهای ترسیم شده، با توجه به درصد فراوانی‌ها یا میانگین، میانه و نما و همچنین میزان انحراف استاندارد و ضریب چولگیهای مثبت و منفی، مشخص شد که ضمن تأیید پیش‌بینی‌ها، پاسخگویی به پیش‌بینی‌های شماره ۷ و ۸ و ۱۲ و ۱۶ برای صاحب‌نظران پاسخگو به دشواری صورت گرفته است و این دشواری را می‌توان از ضریب چولگی مثبت هر چهار پیش‌بینی دریافت کرد.

محقق همچنین با استفاده از آزمون فریدمن (Friedman Test) به رتبه‌بندی پیش‌بینی‌های ارزشگذاری شده توسط دو جامعه نمونه صاحب‌نظران و مجریان پرداخت که مهم‌ترین نتیجه این رتبه‌بندی، قرار گرفتن ۶ پیش‌بینی مشترک هر دو جامعه در رتبه‌های اول تا ششم بود.

رتبه‌های اول تا ششم که میان هر دو نمونه مشترکند، به این قرارند: اول. برای جلوگیری از سوء استفاده نظارت الکترونی بر جوامع، به قوانین لازم برای حمایت از آزادی‌ها و حفظ حریم خصوصی بیش از پیش نیازمندیم. دوم. نظارت الکترونی ۲۰ سال آینده در ایران، کار نظارت را برای ناظران سریع‌تر و دقیق‌تر خواهد کرد.

سوم. نظارت الکترونی در جامعه، جنبه‌های مثبت و منفی فراوان دارد. مهم این است که چه کسی یا کسانی وظیفه نظارت را بر عهده دارند و مالک وسایل این نظارت هستند.

چهارم. با پیشرفت فن‌آوری‌های نوین ارتباطی، صاحبان وسایل ارتباطی الکترونی می‌توانند بر بسیاری از رفتارها و گفتارهای مردم نظارت کنند.

پنجم. در ۲۰ سال آینده، نظارت الکترونی در ایران در سطحی بالاتر و تخصصی‌تر صورت خواهد گرفت.

ششم. در ایران ۲۰ سال آینده، نظارت الکترونی مردم و نهادهای غیردولتی بر

رفتارها و عملکرد دولت، باعث پیشرفت و توسعه بیشتر جامعه می شود. برای شناختن مؤلفه‌های اصلی و پنهان در متغیرهای پیش بینی شده توسط صاحب نظران، محقق با استفاده از تحلیل عاملی، ۶ متغیر جدید را شناسایی و با عنوان زیر نامگذاری کرد:

- ۱- نظارت حریم شخصی، ۲- نظارت الکترونی، ۳- نظارت فرهنگی (خودنظارتی)، ۴- مالکیت نظارت، ۵- ایجاد مرکز داده‌های ملی، ۶- نظارت قانونی.

همچنین مؤلفه‌های شناخته شده در پاسخ‌های مجریان پس از تحلیل عاملی، محقق را به ۶ مؤلفه اصلی و پنهان رهنمون شد و یا شناسایی این ۶ متغیر آن‌ها را به ترتیب زیر نامگذاری کرد:

- ۱- نظارت آسان، ۲- نظارت فرهنگی، ۳- سواد رسانه‌ای، ۴- نظارت تخصصی، ۵- آسیب پذیری آزادی‌ها، ۶- مقاومت مردمی.

براین اساس، می توان به محققان بعدی در این زمینه توصیه کرد که این متغیرها را در بررسی‌های خود مطرح نظر قرار دهند. یافته مهمی که محقق در تحلیل عاملی بدان نایل شد، آن است که پرسش‌ها متورم نبودند و نامگذاری نیز به سهولت انجام شد. معنی دیگر این یافته آن است که طرح پرسش‌های ۱۸ گانه در پرسش‌نامه خوب بوده است. یا بهتر است بگوییم نمونه صاحب نظران به هم رأیی و همگرایی لازم برای طراحی پرسشنامه تحقیق توسط محقق رسیده بودند. باید توجه داشت که رسیدن صاحب نظران به هم رأیی، شرط لازم برای ادامه روش دلفی و طراحی پرسشنامه در چنین تحقیقات آینده‌نگرانه است.

۶- نتیجه گیری

در تحقیقی که پیرامون «جامعه اطلاعاتی» در برابر چالش‌های نظارتی فن آوری اطلاعات و ارتباطات «چشم انداز ایران در سال ۱۴۰۰ هجری شمسی» صورت گرفت، صاحب نظران جامعه اطلاعاتی در ۳ مرحله و مجریان در یک مرحله پیش‌بینی‌های

خود را برای ترسیم چشم انداز ۲۰ سال آینده جامعه تحت نظارت الکترونی ایران بیان کردند.

در مصاحبه‌های حضوری و اینترنتی با صاحب‌نظران، آن‌ها به بیان دیدگاه‌ها، تعاریف و پیش‌بینی‌های خود پرداختند. پس از جمع‌بندی و پالایش این دیدگاه‌های پراکنده، محقق به ۲۷ ایده و پیش‌بینی در مرحله اول نایل شد. در مرحله دوم این ۲۷ ایده برای بررسی مجدد در اختیار صاحب‌نظران گذاشته شدند. آن‌ها بدون این که یکدیگر را بشناسند، آزادانه به ۱۸ ایده مشترک رسیدند و این ۱۸ ایده در قالب ۱۸ پرسش برای ۱۵ صاحب‌نظر و ۱۹۱ مجری ارسال شد تا به آن ارزش صفر تا ۵ بدهند و آن را ارزشگذاری نمایند.

نتیجه این مراحل آن بود که صاحب‌نظران درباره وجود جامعه نظارتی در ایران هیچ‌گونه اختلافی با هم نداشتند و تنها بر سر نامگذاری و نحوه تعریف آن با یکدیگر اختلاف نظر داشتند.

صاحب‌نظران نقاط منفی نظارت را در ۲۰ سال آینده جامعه ایران شامل: نظارت بر رفتارها و گفتارهای مردم توسط صاحبان وسایل ارتباط جمعی، محدودیت آزادی‌های شهروندان، مقاومت مردمی در برابر «دگرنظارتی»، و آسیب‌پذیری آزادی‌های فردی می‌دانند. نتیجه این پیش‌بینی‌ها دغدغه‌خنده دار شدن آزادی‌های فردی شهروندان در جامعه آینده است. آن‌ها راه حل این مسئله را قانونمند کردن نظارت الکترونی دولت در چارچوب سنت‌ها و فرهنگ اسلامی و ایرانی بر رفتار شهروندان می‌دانند.

همچنین صاحب‌نظران پیش‌بینی می‌کنند که در ۲۰ سال آینده انواع نظارت‌های الکترونی در ایران تحت تأثیر نظارت الکترونی و تحولات آن در جامعه جهانی انجام خواهد شد. به همین دلیل آن‌ها پیش‌بینی می‌کنند که دولت در ۲۰ سال آینده برای اجرای نظارت الکترونی در ایران تلاش بیشتری خواهد کرد و در سطح جهانی نیز دولت موفق به ایجاد مرکز داده‌های ملی و منطقه‌ای در برابر تسلط دولت‌های غربی بر شبکه اطلاع‌رسانی اینترنت خواهد شد. زیرا در حال حاضر مراکزی چون مرکز

داده‌های امریکایی «آیکان» امکان نظارت الکترونی نهادهای امریکایی را بر شبکه اطلاع‌رسانی کشورهای استفاده‌کننده مثل ایران فراهم کرده است.

۷- محدودیت‌های تحقیق

در اجرای این تحقیق از سه روش اسنادی، دلفی و پیمایشی استفاده شده است. یعنی محقق از طریق تحقیق کیفی اطلاعاتی را به دست آورده و بعد آن را در مرحله روش دلفی به تحقیق کمی و تحقیق پیمایشی تبدیل کرده است.

در مرحله روش اسنادی، فقر منابع به زبان فارسی یکی از محدودیت‌های اصلی تحقیق بود، هر چند این محدودیت در دسترسی به منابع محدود به زبان خارجی از طریق تهیه منابع و رجوع به موتورهای جست‌وجو در اینترنت برطرف شد. اما در هر حال به دلیل نبودن مسئله تحقیق، منابع نظری در این زمینه بسیار محدود و پراکنده بود، و کار تحقیق را در مرحله فیش برداری با مشکل مواجه کرد.

محدودیت دیگر تحقیق، مربوط به مشکل انتخاب صاحب‌نظران برای «مصاحبه باز» و سپس توافق آن‌ها با محقق برای این مصاحبه‌های وقت‌گیر و پیچیده بوده است.

۸- پیشنهادهای محقق

پس از انجام یافتن تحقیق، پیشنهادهایی برای محققان آینده و مسئولان اجرایی در زمان حال ارائه می‌شوند:

۸-۱- پیشنهادهای پژوهشی

از محققان می‌خواهیم در کار تحقیقاتی خود در این زمینه موارد زیر را در آینده رعایت کنند:

۸-۱-۱- بررسی شیوه‌های نظارت مکانیکی و غیرالکترونی در ایران پیش از عصر الکترونیک.

۸-۱-۲- بررسی حقوقی شیوه‌های نظارت در ادوار گوناگون جامعه ایران.

۸-۱-۳- بررسی نگرش ایرانیان درباره چالش‌های جامعه تحت نظارت و اطلاعات در گردش یا جامعه اطلاعاتی.

۸-۱-۴- بررسی وضعیت موجود و ارائه الگوی مطلوب نظارت الکترونی برای آینده ایران از دیدگاه صاحب‌نظران.

۸-۱-۵- بررسی تأثیر تحولات جهانی بر شیوه‌های نظارت الکترونی در ایران.

۸-۲- پیشنهادهای اجرایی

یکی از دست‌آوردهای اصلی این تحقیق، یافتن راه‌کارهایی برای نظارت الکترونی در جامعه آینده ایران است.

براساس یافته‌های این تحقیق در طول مصاحبه‌های چندمرحله‌ای با صاحب‌نظران، می‌توان پیشنهادهای اجرایی زیر را به مسئولان جامعه ارائه کرد:

۸-۲-۱- تجدیدنظر در قوانین موجود برای نظارت و کنترل اطلاعات در جامعه و کارآمد کردن این قوانین برای حفظ حقوق فردی شهروندان توسط دولت، مجلس و شورای نگهبان.

۸-۲-۲- فراهم آوردن امکانات لازم برای ایجاد مرکز داده‌های ملی و خارج شدن از نظارت مؤسساتی چون مؤسسه امریکایی آیکان با توجه به پیش‌بینی (۱۴-۵) یافته‌های تحقیق.

۸-۲-۳- حمایت عملی دولت از نظارت مردم و نهادهای غیر دولتی بر اعمال و رفتار مسئولان و کارمندان دولتی.

۸-۲-۴- فراهم کردن امکانات لازم برای تحقیقات علمی پیرامون شیوه‌های نظارت الکترونی در جامعه آینده ایران و دستیابی به الگوی مناسب از طریق این‌گونه تحقیقات علمی و دانشگاهی.

۸-۲-۵- ترغیب صاحب‌نظران و مجریان به همکاری با محققان در اجرای تحقیقات علمی.

- ۸-۲-۶- به کار بستن نتایج تحقیقات علمی و اصلاح دیدگاه‌های سنتی در تدوین قوانین و اجرای آن‌ها.
- ۸-۲-۷- سوق دادن مراکز تحقیقاتی و مطالعاتی دولتی به سمت تحقیقات آینده‌نگرانه در این زمینه با همکاری دانشگاه‌ها و محققان.
- ۸-۲-۸- افزایش سطح سواد رسانه ای جامعه از طریق ارائه نرم افزارها و سخت افزارهای آموزشی و ارتباطی مورد نیاز جامعه توسط دولت و آموزش عمومی.
- ۸-۲-۹- ایجاد یک مرکز مطالعاتی و آموزشی مستقل برای آماده سازی جامعه و ورود به آینده ای بهتر در جامعه اطلاعاتی و نظارت‌های قانونمند و جامعه پذیر.
- ۸-۲-۱۰- آموزش همگانی در دبستان‌ها، دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها و گسترش آموزش ضمن خدمت در سازمان‌ها، نهادها و ادارات دولتی و غیردولتی و آشنایی عمومی با مباحث جامعه تحت نظارت.

منابع

- آفتاب. ۱۳۸۴/۸/۱۵، شماره ۱۶۵۱.
- بابایی، فاطمه. درآمدی بر ورود تکنولوژی ارتباط جمعی به ایران و تحولات ناشی از آن. تهران: الیاسی، ۱۳۸۳.
- تامپسون، جان بروکشایر. رسانه‌ها و نوگرایی نظریه اجتماعی درباره رسانه‌ها. ترجمه علی ایثاری کسمایی. تهران: ایران، ۱۳۷۹.
- تهرانیان، دکتر مجید. نقش رسانه‌ها در پشتیبانی توسعه ملی ایران. تهران: پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران، ۱۳۵۴.
- دوران، بهزاد. «زندگی اجتماعی در عصر اطلاعات»، کتاب ماه علوم اجتماعی. اسفند ۱۳۷۹ - فروردین ۱۳۸۰، سال چهارم، شماره ۵ و ۶ ص ۱-۴۲.
- فوکو، میشل. مراقبت و تنبیه: تولد زندان. ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهاننیده. تهران: نشر نی، ۱۳۷۸.

- فیدر، جان. *جامعه اطلاعاتی*. ترجمه علی رادباوه و علی گیلوری. تهران: کتابدار، ۱۳۸۰.
- قنبرپور، سینا. «سوء استفاده از اتاهای پرو: نیرنگ کهنه»، روزنامه همشهری. جمعه ۲۰ شهریور ۱۳۸۳، شماره ۳۴۹۲.
- کاستلز، مانوئل. *عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ ظهور جامعه شبکه‌ای* (جلد ۱). ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز. تهران: طرح نو، ۱۳۸۰.
- ——. «گفت و گوی اختصاصی کتاب ماه، علوم اجتماعی با مانوئل کاستلز درباره عصر اطلاعات»، ترجمه افشین جهانزاده. کتاب ماه علوم اجتماعی. سال ششم، شماره نهم و دهم، تیر و مرداد ۱۳۸۲، شماره مسلسل ۶۹-۷۰، ۱۳۸۲.
- محمدحسینی، سیامک؛ مهدی منوری؛ و پیام نوروز زاده. (گروه نانو تکنولوژی بنیاد توسعه فردا). «ادبیات و متدولوژی آینده اندیشی»، نخستین کارگاه آینده اندیشی (جزوه پلی کپی)، تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، ۱۳۸۲.
- مسعودی، امید. «جامعه نظارتی، ره آورد عصر ارتباطات» فصلنامه رسانه. سال چهاردهم، شماره ۵۳، بهار ۱۳۸۲.
- ——. *بررسی ضرورت‌های ایجاد خبرگزاری نیروهای مسلح از دیدگاه مخاطب‌ها و ارائه پیشنهاد لازم*. ستاد کل نیروهای مسلح معاونت فرهنگی و تبلیغات رفاهی، اداره مطالعات و اطلاع رسانی، ۱۳۸۲.
- معتمدنژاد، دکتر کاظم. *اجلاس جهانی درباره جامعه اطلاعاتی*، ژنو ۲۰۰۳ - تونس ۲۰۰۵، جلد یکم. تهران: مرکز پژوهش‌های ارتباطی، چاپ دوم، ۱۳۸۲.
- ——. *جامعه اطلاعاتی؛ اندیشه‌های بنیادی، دیدگاه‌های انتقادی و چشم اندازه‌های جهانی*. تهران: مرکز پژوهش‌های ارتباطی، ۱۳۸۴.
- معتمدی، اسفندیار. وزارت پست و تلگراف و تلفن: دیروز، امروز، فردا. تهران: اداره کل روابط عمومی شرکت مخابرات ایران و انتشارات مدرسه، ۱۳۷۶.
- میلر، دلبرت. *راهنمای سنجش و تحقیقات اجتماعی*. ترجمه هوشنگ نایی.

تهران: نشر نی، ۱۳۸۰.

- نوذری، حسینعلی. «تأملی در زندگی، آثار، آراء و اندیشه‌های میشل فوکو فیلسوف و مورخ معاصر فرانسه»، هفته‌نامه سروش، ۲۴ آذر ۱۳۷۵، سال ۱۸، ش ۸۱۶، ۱۳۷۵.
- وبستر، فرانک. *نظریه‌های جامعه‌اطلاعاتی*. ترجمه اسماعیل قدیمی. تهران: قصیده سرا، ۱۳۸۰.

- Beniger, James R. *The conotrol Revolution: Technological and Economic Origins of the Information Society*. Cambrige : Harvard University Press, 1986.

- Bentham, Jeremy. *Panopticon Verus New South Wales*. Works, ed. Bowring , t. IV. Jeremy Bentham, Collected Works, ed London : John Browing, 1843.

- Castells, Manuel. *The Information City : Infromation Technology*. Economic Restructuring and the Urban Regional Process, Oxford : Blackwell, 1989.

- Flaherty David , H. *Emeritus Professor*:
[http://www.Ssc.UWO.Ca/history/faculty staff/profs/ flaherty.Hmtl](http://www.Ssc.UWO.Ca/history/faculty_staff/profs/flaherty.Hmtl),
2005/07/24, 2005.

- Keeble, Leigh and Brian D. Loader. *Community Informatics Shaping Computer Mediated Social Relations*. London and New York : Routledge, 2001.

- Lyon, David. *The Electronic Eye: the Rise of Surveillance Society*. Cambridge: Polity Press, 1994.

- Marx, Gary, T. "The Surveillance Society : The Threat of 1984 Style Techiques", in *the Futurist*, June, 1985.

- Marx, Karl. *Capital*. Harmondsworth, Penguin, 1976 , Vol. 1.
- Mohsenianrad, Mehdi. "Globalization Cultural and Message Bazaar", in *Global Media Journal*. Volume 3, Issue 5, Fall, 2004.
http://lass.Calumet.Purdue.Edu/cca/gmi/fa04/gmj_fa04_mohsenianrad.Htm 10-04-2006.
- Sarantakos, Sotirids. *Social Research*. third Edition, NY : Palgrave Macmillan, 2005.
- Shermer, Michael. *Review of Robert Wright's NONZERO*. at , 2005:
<http://www.Metanexus.net/metanexus-online/printer.friendly.sap?8489>.
Op Cit. P.4.
- Wright , Robert. *Non Zero : The Logic of Human Destiny*. Pantheon. 2000.
<http://www.Non Zero.Org/author.Htm>. 2005/07/31.